

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۰

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵

صفحات: ۱۵۷ تا ۱۸۰

حقوق سیاسی مردم در اعمال نظارت بر دولت

علی کاظم زاده*

عضو هیأت علمی واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

حقوق سیاسی، بخشی از حقوق بشر است که به حقوق انسان‌ها در حوزه سیاست می‌پردازد و اموری از قبیل حق تعیین سرنوشت و مقدرات سیاسی و حق آزادی‌های سیاسی را شامل می‌شود. حق تعیین سرنوشت و مقدرات سیاسی مهمترین حقوق سیاسی است؛ حوزه عمومی ملک مشاع انسان‌هاست و میزان رأی مردم است. متصدیان امور عمومی به نیابت و انتخاب مردم انجام این خدمات را به عهده می‌گیرند. تصرف و دخالت در حوزه عمومی، بدون رضایت و اذن مردم مجاز نیست؛ در نظام مردم سالاری معیار بهره‌مندی از حقوق عمومی رضایت اکثریت با احترام به حقوق اقلیت می‌باشد؛ از جمله حق مشارکت سیاسی که شامل حق تعیین سرنوشت، حق شرکت مردم در انتخابات و همه‌پرسی‌ها، حق شرکت در تصمیم‌گیری‌ها، حق دسترسی شهروندان به مناصب دولتی، حق انتقاد و اعتراض، حق عزل، حق انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی و حق برخورداری از آزادی‌های سیاسی، حق برخورداری از آزادی بیان و آزادی احزاب می‌باشد. این حقوق سیاسی ابزارهای اعمال نظارت مردم بر دولت می‌باشند؛ که هر یک از این‌ها نوعی نظارت مردم بر دولت است اگر مردم از هیات حاکمه منتخب خویش ناراضی شوند در انتخابات بعدی فرد دیگر را انتخاب می‌کنند یا در آن شرکت فعال پیدا نمی‌کنند و بدین طریق مراتب ناراضیتی خود را اعلام داشته و ابزار نظارتی را نسبت به هیات حاکمه اعمال می‌کنند.

واژگان کلیدی: دولت، حقوق سیاسی، همه‌پرسی، مشارکت سیاسی، نظارت مردم.

* نویسنده مسئول، ایمیل: kazemzadeh93@gmail.com

حقوق سیاسی از نظر حقوقدانان عبارت است از حقوقی که ذی‌حقان به عنوان اینکه عضوی از یک مجموعه سیاسی هستند بدست می‌آورند اصولاً محدوده این حقوق در حوزه سیاسی است (فوزی، ۱۳۹۲: ۳۰).

حقوق سیاسی، بخشی از حقوق بشر است که به حقوق انسان‌ها در حوزه سیاست می‌پردازد و اموری از قبیل حق تعیین سرنوشت و مقدرات سیاسی و حق آزادی‌های سیاسی را شامل می‌شود. حق تعیین سرنوشت و مقدرات سیاسی مهمترین حقوق سیاسی است. این حق خدادادی است. حوزه عمومی ملک مشاع انسان‌هاست، ملاک استفاده از آن، رضایت اکثر صاحبان حق است. مؤمنان موظفند در استفاده از این حق، ضوابط دینی را رعایت کنند. در حوزه عمومی میزان رأی مردم است. متصدیان امور عمومی به نیابت و انتخاب مردم انجام این خدمات را به عهده می‌گیرند. تصرف و دخالت در حوزه عمومی، بدون رضایت و اذن مردم مجاز نیست (کدیور، ۱۳۷۷: ۲۸).

۱. حقوق سیاسی مردم بر دولت

از منظر دینی نیز مشارکت سیاسی فعال نسبت به سرنوشت خود و جامعه نه تنها یک حق بلکه یک تکلیف حتمی برای عموم جامعه است. در نظام‌های مردم سالاری معیار بهره‌مندی از حقوق عمومی رضایت اکثریت با احترام به حقوق اقلیت می‌باشد که ارسطو از آن به عنوان جمهوری که شکل صالحی از حکومت اکثریت می‌باشد نام می‌برد و اسلام نیز به عنوان یک نظام مردم سالار، حقوق سیاسی متقابل مردم و حکومت را به رسمیت شناخته و آنرا به اشکال مختلف پذیرفته است این مشارکت در قالب‌های مختلفی شکل می‌گیرد، از جمله حق مشارکت سیاسی که شامل حق تعیین سرنوشت، حق شرکت مردم در انتخابات و همه پرسی‌ها، حق شرکت در تصمیم‌گیری‌ها، حق دسترسی شهروندان به مناصب دولتی، حق انتقاد و اعتراض، حق عزل، حق انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی و حق برخورداری از آزادی‌های سیاسی، حق برخورداری از آزادی بیان و آزادی احزاب می‌باشد. حقوق سیاسی ابزارهای اعمال نظارت مردم بر دولت می‌باشند. که هر یک از این‌ها نوعی نظارت مردم بر دولت است اگر مردم از هیات حاکمه منتخب خویش ناراضی شوند در انتخابات بعدی فرد

دیگر را انتخاب می‌کنند یا در آن شرکت فعال پیدا نمی‌کنند و بدین طریق مراتب نارضایتی خود را اعلام داشته و ابزار نظارتی را نسبت به هیات حاکمه اعمال می‌کنند. در ادامه به صورت مختصر به هر یک از آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۱ حق مشارکت سیاسی

مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی، یکی از مباحث مهم علوم سیاسی است. این مشارکت در درجه اول از طبع اجتماعی انسان ریشه می‌گیرد. مشارکت در امور اجتماعی، نوعی تعهد و قبول مسئولیت فردی و اجتماعی است که همه افراد انسانی ناگزیر به پذیرش آن هستند. این تعهد و مسئولیت ممکن است در قالب فعالیت‌های معین صورت گیرد، مانند بسیاری از رفتارهای اخلاقی و اجتماعی، و یا ساختار حقوقی و اقتصادی به خود بگیرد. یکی از بارزترین نمونه‌های مشارکت مردمی، مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی است که کمک فراوانی به حفظ وحدت و همبستگی ملی و نظارت بر نحوه حکومت زمامداران می‌کند.

در جوامع مدرن، این مشارکت در قالب احزاب سیاسی و نهادهای اجتماعی هدایت می‌شود. نظام‌های سیاسی بر پایه اعتماد عمومی و اراده مردم استوار می‌گردند و استمرار و اقتدار آنها وابسته به مشارکت و دخالت مردم است و حساسیت نسبت به نوع جریان امور در کشور و میزان دلبستگی مردم به نظام حاکم بر جامعه و حمایت از آن، از مصادیق مشارکت سیاسی به مفهوم نظارت بر زمامداران می‌باشد. چرا که میزان مشارکت سیاسی مردم در امور سیاسی، نشانگر میزان مداخله و نظارت مردم بر عملکرد زمامداران می‌باشد شاید بتوان با کاهش مشارکت سیاسی مردم، موازنه منفی به مفهوم عدم رضایتمندی مردم نسبت به حکمرانان را سنجید بسیار مبرهن است که دولت‌ها برای مشروعیت بخشیدن به حاکمیت خویش، نیازمند مشارکت سیاسی مردم می‌باشند و کاهش میزان مشارکت به نوعی اعتراض به عملکرد دولت و پایین آمدن مقبولیت حکومت در نزد مردم بحساب می‌آید و این امر یک نوع نظارت مردم نسبت به دولت بوده و واکنش دولت‌ها را در جلب رضایت مردم بدنبال خواهد داشت و آنها برای کسب مشروعیت نمی‌توانند مشارکت سیاسی مردم را نادیده بگیرند و میزان بالای مشارکت سیاسی مردم دست کم در قوام و دوام حکومت و موجه نشان دادن تصمیمات زمامداران موثر است.

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

امروزه مشارکت سیاسی به عنوان مهمترین شاخص توسعه سیاسی ملت‌ها یک امر اجتناب ناپذیر است در کشورهای جهان سوم که گذر از سنت به مدرنیته را تجربه می‌کنند اهمیت آن بیشتر آشکار می‌گردد. مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است. به بیانی دیگر، مشارکت سیاسی عبارت است از ورود به عرصه و جرگه‌ای که به تحقق یک اراده جمعی منجر شده، یا مانع تحقق آن اراده جمعی می‌شود. مکتب اسلام به دلیل ضرورت و اهمیت مشارکت انسان‌ها در تعیین سرنوشت خویش، به آن توجه خاصی نموده است. حضرت علی (ع) خطاب به مردم مصر می‌فرماید: «ای مردم مصر، نگویید ما سرپرستی چون مالک و امامی چون علی داریم؛ اگر در صحنه حاضر نباشید، شکست می‌خورید. ما در حال نبرد و جنگ با باطل هستیم، جامعه‌ای که در خواب باشد، دشمن بیدارش او را رها نمی‌کند».

شاید بتوان گفت حق انتخاب و مشارکت سیاسی مردم در اسلام با عنوان شورا مطرح شده است، در یک تعریف از شورا چنین آمده «استفاده از آرا و نظریات دیگران به منظور پی بردن به نظریات آنها و یاری جستن از آن نظریات در دستیابی هر چه بهتر و بیشتر به حقیقت و رفع شک و تردید و یا تشریک مساعی جمعی در مواردی که رعایت نظریات جمع به نحوی مطلوب است (قاضی زاده ۱۳۸۴: ۴) بنابراین اصل شورا به معنی تبادل نظر و جمع بندی آراء و نظرات برای رسیدن به فکر بهتر و راه صحیح‌تر است که به عنوان شیوه‌ای در مدیریت جامعه اسلامی نگریسته شده است (زنجانی ۱۳۷۹: ۳۰۷-۳۰۶). آیات ۳۸ سوره شورا و ۱۵۹ آل عمران به بحث شورا پرداخته‌اند. «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ.» (قرآن کریم، سوره شوری ۳۸) و آنها که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را بر پا داشته و کارهایشان به طریق مشورت در میان آنها صورت می‌گیرد و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.

خداوند سبحان حوزه امور عمومی را امر مردم خوانده و فرموده است که در این حوزه با مشورت مردم تصمیم‌گیری شود: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» واضح است که مراد از «امرهم»، احکام و تکالیف الهی نیست، چرا که در حوزه الزام‌های شرعی، رأی و رضایت مردم ملاک نیست و وظیفه تبعیت و اطاعت است بلکه ملاک حوزه عمومی است (کدیور، ۱۳۷۷: ۱۸)

خداوند در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ به پیغمبر اکرم (ص) امر می‌کند که با مسلمانان مشورت نماید. «فَبِمَا رَحَمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنِيتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا نَفُضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ.» (قرآن کریم، آل عمران / ۱۵۹) پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند پس از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست دارد.

به روشنی این آیات دلالت بر حق شرکت افراد جامعه در تصمیم‌گیری و اداره‌ی امور دارد. امام خمینی (ره) نیز مشورت کردن در امور و عمل به نتایج آن را خاطر نشان می‌سازد و می‌فرماید «در امور مهمه با کارشناسان مشورت کنید و جانب احتیاط را مراعات نمایید» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۸، ۶-۷) ایشان یکی از وظایف امام جمعه را آگاه نمودن مردم از مسائل سیاسی و اقتصادی و به بیان دیگر تشویق مردم در شرکت کردن در سرنوشت سیاسی خود و بی تفاوت نبودن نسبت به سرنوشت خود می‌داند. «برای امام جمعه که خطبه می‌خواند سزاوار است در ضمن خطبه‌اش آنچه را که از مصالح دینی و دنیایی مسلمین است بیان کند و آنها را از حوادث و اخباری که در کشورهای مسلمانان و دیگر کشورها می‌گذرد که در آنها نفع و ضرر مسلمین مطرح است آگاه نماید و مطالبی را که مسلمانان در زندگی دنیا و آخرت و در شئون سیاسی و اقتصادی از اموری که در استقلال و کیان آنها و در کیفیت روابط و رفتار آنها با سایر ملل مؤثر است بازگو کند و مسلمین را از دخالت دولت‌های ظالم استعمارگر در امور مسلمین مخصوصاً در امور سیاسی و اقتصادی آنها که به استعمار و استثمارشان کشانده می‌شود بر حذر دارد....» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۶۵).

همینطور ایشان در خصوص احترام به رأی اکثریت می‌فرماید: «اسلام که می‌فرماید که شورا باشد کارهاتان خوب ... وقتی که شورا یک چیزی را رعایت به اکثریت قبول کردند معنایش این است که همان را عمل بکنید هر که رد بکند معنایش این است که ما قبول نداریم این برخلاف دموکراسی است، برخلاف اسلام است برخلاف مصالح مملکت است.» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۷۳). حضرت امام مخالفت با شورا و رأی اکثریت را برخلاف مصالح کشور می‌داند لذا بر این اساس ایشان مشورت در امور را برای زمامداران الزامی دانسته و مشورت در امور اجتماعی و سیاسی را موجب جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی اسلام می‌داند. «در این حکومت

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

به طور قطع باید زمامداران امور دائماً با نمایندگان ملت در تصمیم‌گیری‌ها مشورت کنند و اگر نمایندگان موافقت نکنند نمی‌توانند به تنهایی تصمیم گیرنده باشند.» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۴۳۶).

«مجلس محترم شورای اسلامی که در رأس همه نهادهاست در عین حال که از اشخاص عالم و متفکر و تحصیل کرده برخوردار است خوب است در موارد لزوم از دوستان متعهد و صاحب نظر خود در کمیون‌ها دعوت کنند که با برخورد نظرها و افکار کارها سریع‌تر و محکم‌تر انجام گیرد و از کارشناسان متعهد و متدین در تشخیص موضوعات برای احکام ثانویه اسلام نظرخواهی شود که کارها به نحو شایسته انجام گیرد... در موضوعات عرفیه که تشخیص آن با عرف است با مشورت از کارشناسان حجت شرعی است که مخالفت با آن بدون حجت قوی‌تر خلاف طریق عقلاست.» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۳۲۰-۳۲۱).

«مجلس شورای اسلامی مجلس مشورت است مجلسی است که باید متفکرین آقایان مسائلی که مایحتاج ملت است و کشور است در میان بگذارند و با هم مشورت کنند مباحثه کنند فقط آن چیزهایی که مربوط به ملت است در آنجا طرح بشود و آنچه دلخواه اسلام است بحث و مشورت بشود و به ترتیبی که مقرر است تصویب بشود و همه چیزش اسلامی باشد.» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲: ۳۴۴).

۱-۲ حق برخورداری از آزادی‌های سیاسی

آزادی‌های سیاسی صرفنظر از هر نوع گرایش ایدئولوژیکی و مکتبی و فکری و قومی و زبانی و غیره حق مسلم هر شهروند است که در آن جامعه زیست می‌کند از آزادی‌های سیاسی که منتهی بر نظارت مردم بر حکومت می‌گردد می‌توان بر حق انتقاد و آزادی بیان اشاره کرد. در اسلام نصیحت متقابل مردم و حکومت و امر به معروف و نهی از منکر یکی از راهکارهای اجرای این حقوق معرفی شده است. حضرت علی (ع) درباره نقش مردم در نصیحت حاکم اسلامی می‌فرماید:

«ایها الناس ان لی علیکم حقاً و لکم علی حق فا ما حقکم علی فالنصیحه لکم وتوفیر فیئکم علیکم و تعلیمکم کیلاً تجهلوا وتادیبکم کیما تعلموا واما حقی علیکم فالوفاء بالبیعه والنصیحه فی المشهد و المغیب و الاجابه حین ادعوکم و الطاعه حین امرکم.» ای مردم مرا بر شما و شما

را بر من حقی واجب شده است حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی سوادى و جهالت از میانتان برداشته شود و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگى را بدانید اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان بر این خیرخواهى کنید هرگاه شما را فراخواندم اجابت نمایید و اگر فرمان دادم اطاعت کنید (نهج البلاغه ۱۳۷۹: خطبه ۳۴).

در سوره‌های حج و آل عمران امر به معروف و نهی از منکر وظیفه مسلمانان معرفی شده است که افراد مؤمن این تکلیف را انجام می‌دهند و باید این واجب بدرستی انجام شود.

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَا لَهُمُ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَتَهَوَّأُوا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (قرآن کریم، سوره حج: ۴۱) مؤمنان کسانی هستند که اگر به ایشان در زمین تمکن و قدرت دهیم نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به معروف امر می‌کنند و از منکر دیگران را باز می‌دارند و سرانجام کارها با خداست.

«يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ اولئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ.» (قرآن کریم، آل عمران، آیه ۱۱۴) گروهی هستند که به خداوند و روز قیامت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و در انجام کارهای خیر شتاب می‌کنند و آنان از شایستگان هستند.

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات بزرگ در دین اسلام است و آن در جایی است که انسان ببیند معروفی تعطیل و منکری اجرا می‌شود حال اگر مردم در جامعه از چنین حساسیتی برخوردار باشند زمامداران آن جامعه نمی‌توانند از قدرت خود سوءاستفاده کنند و به استبداد روی آورند (قابل، ۱۳۸۶: ۲۸۴).

۱-۳ حق همه‌پرسی

همه چیز از مردم آغاز و به آنان ختم می‌شود. در مقدمه قانون اساسی، آنجا که از شیوه حکومت در اسلام سخن می‌گوید در نهایت نتیجه می‌گیرد: «چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خدا گونگی انسان فراهم آید و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد... قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام

مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست‌اندر کار و مسئول رشد و ارتقاء گردد...» در اصل ۵۶ قانون اساسی می‌خوانیم: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروه خاص قرار دهد...» اصل ششم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس... یا از راه همه‌پرسی...». مطابق مقررات جاری و اصول حاکم بر اصل اعطای وکالت به کسی، او را از اعمال این حق محروم نمی‌کند. از این رو تعیین نمایندگان مجلس به مفهوم سلب حق تصمیم‌گیری از انتخاب‌کنندگان نیست. در این راستا اصل ۵۹ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دو سوم نمایندگان برسد.» البته مراجعه به آرای عمومی بر مبنای ماده ۲۳۴ قانون آئین‌نامه داخلی مجلس تابع تشریفات است از جمله اینکه کمیسیونی مرکب از ۱۵ نماینده به صورت ویژه برای بررسی موضوع با رای مستقیم نمایندگان تشکیل می‌شود و این ماده و تبصره‌های آن نحوه رسیدگی را تعیین کرده و احتمال پیش‌بینی فوریت برای بررسی را نیز در نظر داشته و ضمناً مقرر کرده که رسیدگی حتماً یک شوری خواهد بود. تصمیم مجلس درخصوص برگزاری همه‌پرسی طبق نظری که شورای نگهبان در سال ۱۳۸۱ داده است باید همانند سایر مصوبات مجلس در اجرای اصل ۹۴ قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شود. سوالی که ممکن است مطرح شود این است که آیا شورای نگهبان می‌تواند با اصل برگزاری همه‌پرسی به رغم اینکه به تصویب دو سوم نمایندگان رسیده است مخالفت کند و نظر مجلس را تنفیذ نماید؟ به نظر می‌رسد شورای نگهبان صرفاً در مواردی که در خاتمه اصل ۱۷۷ قانون اساسی آمده و مربوط به اصول تغییر ناپذیر قانون اساسی است حق مخالفت ندارد و به عبارتی اگر همه‌پرسی ناظر بر اصول تغییر ناپذیر قانون اساسی باشد شورای نگهبان می‌تواند مخالفت کند چرا که اصول یاد شده قابل همه‌پرسی نیستند و در موارد دیگر نمی‌تواند با اصل همه‌پرسی مخالفت کند. این موارد عبارت است از: «اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و

نیز اداره امور کشور با اتکای به آرای عمومی و دین و مذهب رسمی ایران، «صدور فرمان همه‌پرسی به موجب بند سه اصل ۱۱۰ قانون اساسی داخل در وظایف و اختیارات رهبری است و نظارت بر همه‌پرسی با شورای نگهبان است. به موجب اصل ۱۲۳ قانون اساسی رئیس‌جمهور موظف است نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ، امضا کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد. نتیجه اینکه آنچه از همه‌پرسی حاصل می‌شود اعتبار قوانین عادی را دارد و بدون نیاز به تایید شورای نگهبان، همانند قوانین عادی باید اجرا شود. اما واضح است نتیجه همه‌پرسی از آنجا که نشأت گرفته از اراده مستقیم مردم است ارزش و اعتباری بیش از سایر قوانین عادی دارد. ضمناً بازنگری در قانون اساسی نیز با توجه به اصل ۱۷۷ قانون مذکور در نهایت از طریق همه‌پرسی انجام می‌شود.

۱-۴ حق عزل مدیران ارشد کشور

مدیران ارشد و میانی و پایینی در هر درجه‌ای، در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی وکیل و یا نایب موکلان خود بوده و انتخاب و عزل آنها براساس خواست افراد جامعه یعنی موکلان آنها می‌باشد. از دیدگاه اسلام خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که انتخاب مسیر صحیح زندگی و تعیین سرنوشت و مقدرات از لحاظ سعادت و شقاوت با خود اوست یعنی قدرت تشخیص و گزینش برای انتخاب راه صحیح داده شد اما حق انتخاب با خود انسان است که در بسیاری از آیات قرآن کریم این معنی به وضوح دیده می‌شود (فوزی، ۱۳۹۲: ۳۲) قانون اساسی برای عزل مدیران کشور نهادهای نظارتی و قضایی پیش‌بینی کرده است که در صورت ایفای صحیح وظایف خویش این حق نظارتی به خوبی و ضمانت اجرایی موثر انجام خواهد شد. بنابراین مردم از طریق نهادهای قانونی که با آرای آنان شکل گرفته حق عزل مدیران ارشد را دارند.

۲. عدالت سیاسی به مثابه ابزاری برای نظارت حقوقی مردم

مفهوم عدالت سیاسی شاخه‌ایی از عدالت اجتماعی است که به موضوع عدالت در حوزه سیاسی می‌پردازد. عدالت سیاسی به حوزه قدرت و سیاست و مشارکت مردم مربوط می‌شود اینکه حاکمان مشروعیت خود را چگونه به دست می‌آورند و در نزد مردم مشروعیت دارند یا خیر می‌تواند با عدالت سیاسی مرتبط باشد. از دیدگاه مردم اگر حاکم سیاسی شایستگی احراز این مقام را داشته باشد حکومت عادلانه است در غیر این صورت اگر با زور و اجبار قدرت را تصاحب

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

کرده باشد آن حکومت ظالم است و فرمانبرداری از آن جایز نیست در مقام اجرا نیز حکومتی عادل است که با رفع محرومیت‌ها امکان مشارکت برابر و آزاد را برای مردم در زمینه‌های سیاسی فراهم کند و قدرت و مناصب سیاسی را بر حسب استعداد و شایستگی افراد تقسیم کند (جمال زاده ۱۳۷۸: ۱۲).

عدالت سیاسی ایجاب می‌کند مردم یک کشور با هر گرایش فکری و سیاسی و حتی بالاتر از آن با هر گرایش ایدئولوژیکی و مکتبی در تصمیم‌گیری‌ها حق مشارکت سیاسی آزادانه داشته باشند آحاد کشور علاوه بر اینکه سرمایه‌های واقعی آن کشور می‌باشند بلکه استعدادهای خفته و بالقوه آن کشور محسوب می‌شوند که استفاده نکردن از آنها کفران نعمت به مفهوم کفر و پوشاندن حقی است که خداوند به بشر داده است و خداوند هر کسی را استعدادی داده و بهره‌گیری از آن استعداد حق مسلم جامعه است دولت‌ها حق ندارند بلحاظ تفاوت‌های سیاسی و فکری و مذهبی آن استعداد را خاموش یا زایل کنند و مردم را از دستیابی به آن محروم سازند. علاوه برآن، بکارگیری همه استعدادها فراتر از گرایشات فکری و سیاسی و مذهبی و قومی و زبانی موجب انسجام و یکپارچگی و حفظ تمامیت ارضی و حمایت همه سلايق از دولت می‌گردد همان کاری که قرار بود بطور نسبی در دولت دوازدهم اعمال شود و وزرایی از میان اهل تسنن، کردها و اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی استفاده گردد که متأسفانه این مهم به هر دلیلی محقق نشد که اگر این امر تحقق می‌یافت عدالت سیاسی بطور نسبی اعمال می‌شد. عدالت و به ویژه عدالت سیاسی همواره از دغدغه‌های حاکمان بوده است و بسته به میزان رعایت و تحقق آن در جامعه باعث کارآیی و مشروعیت حکومت می‌شود (عیوضی، ۱۳۸۴: ۱۳۲).

برای عدالت سیاسی بر اساس مفهوم حق در اسلام سه شاخصه کلیدی می‌توان در نظر گرفت حق مشارکت سیاسی برابر برای افراد جامعه، گزینش سیاسی برابر و امنیت سیاسی برای همگان. هر چند نباید عدالت سیاسی را صرفاً به سه شاخص مذکور تقلیل داد لیکن مطمئناً سه شاخصه مشارکت سیاسی برابر، گزینش سیاسی برابر و امنیت سیاسی برای همگان، شاکله سنجش معیار عدالت سیاسی هستند چرا که با محک با معیارهای مذکور مشخص می‌شود. آیا حکومت کنندگان بر یک جامعه، به عدالت سیاسی معتقد هستند یا به عبارتی عدالت سیاسی در آن جامعه وجود دارد یا خیر.

۲-۱ حق مشارکت سیاسی برابر برای افراد جامعه

مشارکت سیاسی علاوه بر اینکه میزان علاقمندی مردم به حکومت و زمامداران را نشان می‌دهد حاکی از میزان مداخله مردم در سرنوشت جامعه می‌باشد. «مشارکت سیاسی روندی است که طی آن قدرت سیاسی میان افراد جامعه توزیع می‌گردد به این معنا که تمامی شهروندان از حق تصمیم‌گیری، ارزیابی، انتخاب و انتقاد بهره‌مند می‌شوند. لازمه مشارکت سیاسی فعال وجود آزادی است چرا که در فقدان آزادی نظارت و انتقاد صورت نمی‌گیرد و امر به معروف و نهی از منکر تحقق نمی‌یابد (کیخا، ۱۳۸۳: ۱۶۸).

مایکل راش مشارکت سیاسی را «درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی» می‌داند (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

در مشارکت سیاسی که یکی از بنیان‌های مهم عدالت سیاسی است همه افراد جامعه حق تعیین سرنوشت خود را دارند و همگی نسبت به شرکت در امور سیاسی و تعیین نمایندگان خود آزاد هستند رأی دادن شهروندان به احزاب، افراد و سیاست‌ها، مبارزات انتخاباتی، اعمال نفوذ بر سیاستمداران و تشکیل گروه‌های نفوذ و احزاب سیاسی از اشکال متعدد مشارکت سیاسی به شمار می‌روند (بشیریه، ۱۳۸۲: ۳۷۶ - ۳۷۵).

مشارکت فعال و آزادانه مردم در تصمیم‌گیری باعث ایجاد حس اعتماد در مردم نسبت به ساختار سیاسی و ارتباط صمیمی میان حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان می‌شود که می‌تواند به تحقق اصل عدالت سیاسی در جامعه کمک کند می‌توان عدالت سیاسی را پیش درآمد عدالت اجتماعی دانست که تنها با قاعده محور نمودن قدرت سیاسی در جامعه تحقق می‌یابد. بدین معنا که حکومت‌کنندگان پیوسته در آزمون حکومت‌شوندگان مورد پذیرش و عدم پذیرش قرار می‌گیرند و سطح آن رابطه مستقیمی با آگاهی سیاسی و فرهنگ سیاسی هر جامعه‌ای دارد (عیوضی، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

«با رأی قاطع به جمهوری اسلامی، حکومت عدل الهی را اعلام نمودید. حکومتی که در آن، جمیع اقشار ملت با یک چشم دیده می‌شوند و نور عدالت الهی بر همه به یک طور می‌تابد، و باران رحمت قرآن و سنت بر همه کس به یکسان می‌بارد» (عیوضی، ۱۳۸۴: ۱۳۱). از نشانه‌های مشارکت سیاسی برابر در جامعه می‌توان به حق انتخاب کردن، حق انتقاد و نظارت مردم و پاسخگویی مسئولان، آزادی احزاب و تشکل‌ها، آزادی بیان و... اشاره کرد.

۱-۱-۲ حق انتخاب رهبران و مشارکت سیاسی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های عمومی

در جهان معاصر «شرکت در انتخابات و رأی دادن معمولی‌ترین نوع مشارکت سیاسی به شمار می‌رود. اگر این مشارکت آزادانه و بدون اجبار صورت بگیرد و همه افراد بدون در نظر گرفتن موقعیت و جایگاه‌شان بتوانند در تصمیم‌گیری سیاسی شرکت کنند می‌توان نسبت به تحقق عدالت سیاسی در زمینه مشارکت و تصمیم‌گیری امیدوار بود. حق انتخاب کردن، انتقاد و نظارت مردم و پاسخگویی و امر و نهی مسئولان و آزادی احزاب را می‌توان از وجوه مهم و بارز مشارکت سیاسی دانست در واقع حق انتخاب کردن مردم از روش‌های مختلف از جمله شرکت در تشکل‌ها و احزاب تحقق می‌یابد که به منظور دنباله روی از خواسته‌های‌شان می‌باشد تا بتوانند فرد دلخواه خود را بر منصب قدرت بنشانند از طرفی دیگر تحقق مشارکت شهروندان در سیاست و امور کشور و انتخاب کارگزاران بدون همکاری با همدیگر تقریباً ناممکن است» (میراحمدی و شیرینی ۱۳۸۸: ۸۰).

امام خمینی (ره) به عنوان تأسیس‌کننده نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه، معتقد است ولایت امور مسلمانان و تشکیل حکومت دینی، گرچه با مشروعیت و حقانیت الهی آمیخته است، اما با اقبال و مقبولیت اکثریت جامعه بروز و ظهور می‌یابد. بدین ترتیب، مردم محق شمرده شده‌اند که به انتخاب بپردازند (امام خمینی ۱۳۷۸ ج ۲۰: ۴۵۹)

در این رابطه می‌گوید: «تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و در صدر اسلام تعبیر شده است به بیعت با ولی مسلمین» (امام خمینی ۱۳۷۸ ج ۲۰: ۴۵۹).

ایشان در جای دیگری در مورد حق مردم در تعیین سرنوشت جامعه و کشورشان چنین می‌فرمایند: «یقای نقش‌های سیاسی حق مسلم هر ملتی است. مردم حق دارند در تمام وجوه سیاسی از تشکیل حکومت و تعیین نوع رژیم گرفته تا اداره کوچکترین امور محله خود، بطور برابر مشارکت داشته باشند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸ ج ۴: ۷۴) «آگاهی مردم و مشارکت و نظارت همگانی آنها با حکومت منتخب خودشان، خود، بزرگ‌ترین ضامن حفظ امنیت در جامعه خواهد بود» (امام خمینی، ۱۳۷۸ ج ۴: ۲۴۸).

جمهوری اسلامی حکومتی متکی به آرای مردم است «ما خواهان یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آرای عمومی، شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما توسط خود مردم تعیین می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲: ۲۶۰).

۲-۱-۲ حق شهروندان در انتقاد از مسئولان و نظارت بر کار آنها

از دیگر حقوق و آزادی‌های سیاسی مردم در زمینه مشارکت سیاسی، حق انتقاد و نظارت می‌باشد. جای این اصل در فقه اسلامی خالی است اما در شیوه زمامداری حضرت علی (ع) بسیار مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به این که حاکم و کارگزاران سیاسی، دینی در عصر غیبت، معصوم نبوده و امکان خطا و اشتباه در خصوص آنان می‌رود، بحث انتقاد و نظارت مردم و لزوم پاسخ‌گویی مسئولان (استیضاح) مطرح می‌باشد. امام خمینی (ره) در پاره‌ای از سخنان خود معتقد است در نظام ولایت فقیه، همه در برابر کارهای خود پاسخ‌گو هستند و شهروندان بر همه امور و حتی ولی فقیه نظارت می‌کنند و در صورتی که کارگزاران از معیارهای اسلامی خارج گردیدند و تخطی کردند، مردم می‌توانند اعتراض کنند و تذکر دهند و جلو خطاها را بگیرند (لک‌زایی، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

هر چند سیره عملی حضرت امام خمینی (ره) دست کم در حوزه ایدئولوژیکی در باره آزادی بیان بسیار سختگیرانه بود اما در حوزه نظارت بر زمامداران بر حق انتقاد و آزادی بیان اصرار می‌ورزیدند و می‌گفت «هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد و او باید جواب قانع کننده بدهد و در غیر این صورت اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد خود به خود از مقام زمامداری معزول است» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۵: ۲۶۰).

مطابق این نگاه فکری، نظارت بر دولتمردان در جمهوری اسلامی وظیفه تمام آحاد ملت اعم از زن و مرد است و مختص به دوران خاصی چون اوایل شکل‌گیری این حکومت نیست و در تمام مراحل، نظارت بر کار مسئولان جز حقوق و وظایف ملت است. «باید همه زن‌ها و همه مردها در مسائل اجتماعی و در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، هم به مجلس ناظر باشند، اظهار نظر بکنند. ملت الان باید همه شان ناظر امور

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

باشند. اظهار نظر بکنند در مسائل سیاسی در مسائل اجتماعی، در مسائلی که عمل می‌کند از دولت انتقاد بکنند، اگر یک کار خلاف دیدند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳: ۱۹۳).

«نظر و رأی مردم تنها در مرحله‌های نخستین تأسیس نظام شرط نیست بلکه جمهوری اسلامی مقید به حضور مداوم و نظارت دائمی آنها بر مسئولان می‌باشد و مردم همواره حق نقد مسئولان و نظارت بر آنان را دارند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۶: ۲۵۶).

۲-۲ حق برخورداری برابر در انتخابات

بنیانگذار و ایدیولوگ جمهوری اسلامی ایران، در باب این موضوع بارها سخن گفته و متذکر شدند که رأی بالاترین مقام در جمهوری اسلامی با پایین‌ترین افراد در این حکومت برابر و مساوی است و میزان رأی ملت است. ایشان تنها امتیاز یک فرد نسبت به فرد دیگر را تقوا می‌دانستند. همچنین شرکت در انتخابات و انتخاب نماینده، مردم باید آزاد باشند که خود توانایی تشخیص شرکت یا عدم شرکت در انتخابات و انتخاب افراد اصلح را دارند. «...همه انسانها در پیشگاه خداوند یکسانند او خالق همه است و همه مخلوق و بنده او هستند اصل برابری انسانها و اینکه تنها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر معیار و قاعده تقوا و پاکی از انحراف و خطاست و بنابراین با هر چیزی که برابری در جامعه را برهم می‌زند و امتیازات پوچ و بی‌محتوا را در جامعه حاکم می‌سازد باید مبارزه کرد...» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵: ۳۸۸). در این باره تأکید می‌کند «...من کاری ندارم کی رئیس جمهور می‌شود به من مربوط نیست من خودم یک رأی دارم به هر که دلم می‌خواهد می‌دهم، شما هم همین طور، اما اگر بخواهید در مقابل دنیا اظهار حیات بکنید که بگویید ما بعد از گذشتن چندین سال زنده هستیم باید مشارکت کنید» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۹: ۳۲۸). «رأی زنان و مردان نیز در انتخابات برابر است و آنان همدوش مردان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شرکت می‌کنند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۹: ۳۲۸). «انتخابات دست مردم است، رئیس جمهور و نخست وزیر با آن رعیتی که در کشاورزی کار می‌کنند و آن بازاری که در بازار کار می‌کند، راجع به انتخابات یک جور هستند، علی السواء هستند. یعنی رئیس جمهور یک رأی دارد، نخست وزیر هم یک رأی دارد. رأیشان با هم فرقی ندارد و همه مسؤول هستند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸: ۴۰۳).

۳. ابزارهای قانونی نظارت مردمی

در نظام توحیدی مسئولیت افراد از مسئولیت دولت‌ها جدا نیست اگر دولت‌ها جامعه را اداره می‌کنند مردم نیز عضو جامعه‌اند و نتیجه خوب و بد رفتار دولت مردان به طور مستقیم متوجه آنان می‌شود. بنابراین به حکم عقل و شرع این تکلیف همه افراد است که با نظارت بر کار زمامداران خود، مانع از انحراف آنان از مسیر حق، عدالت گردند. در فرهنگ اسلامی بر ضرورت نظارت همگانی تاکید شده و راه و روش‌های مختلفی برای آن تعیین گردیده است یکی از مهم‌ترین روش‌ها امر به معروف و نهی از منکر همگانی و نظارت مردمی بر حکومت به صورت لسانی است که طبق نص صریح قرآن کریم برای همه مسلمانان واجب است. در قانون اساسی نظارت بر دولت از سوی مردم می‌تواند از راه‌های گوناگون ذیل صورت پذیرد.

۳-۱ مطبوعات و رسانه‌ها

قانون اساسی این ابزار کارآمد را در اختیار مردم قرار داده و بهره‌گیری از آن را در قالب شرعی و قانونی حق مسلم مردم می‌داند. به موجب اصل ۲۴ قانون اساسی «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه محل مبانی اسلام و یا حقوق عمومی باشد. تفسیر آن را قانون معین می‌کند.» همچنین این قانون مقرر کرده است که در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تامین گردد. مطبوعات و رسانه‌های دیگر در دایره محدودتری در این امر با صدا و سیما مشترک‌اند. تاکید بر امر به معروف و نهی از منکر در واقع تاکیدی بر آزادی بیان است. صدا و سیما یکی از ابزارهای مهم امر به معروف و نهی از منکر در هر سه حوزه اصل هشتم قانون اساسی است. این رسانه ملی که بودجه‌اش را مردم تامین می‌کنند نباید از تخلفات کارگزاران دولتی به سادگی بگذرد. صدا و سیما اگر عزم و جزمی در این مورد داشته باشد می‌تواند با اختصاص شبکه‌ای بدین منظور به صورت سازمان یافته و موثر، تجلی نظارت مردمی بر دولت شود و در هنجارسازی جامعه نقش بی‌بدیل خود را ایفا کند. در ماده ۴۰ قانون صدا و سیما آمده است در جهت تحقق رسالت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه صدا و سیما باید روحیه انتقاد سالم و سازنده و متواضعانه در مردم و مسولین ایجاد کند.

۳-۲ احزاب و گروه‌ها

امروزه در نظام‌های مردم سالار آزادی احزاب یکی از حقوق مسلم ملت‌ها شناخته شده است. یکی از کارکردهای مهم احزاب، نقد عملکرد دولت و مقامات دولتی است. احزاب سیاسی را می‌توان از مجموعه‌های به شمار آورد که بیشترین خلاقیت‌ها را نسبت به حل مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه دارا هستند. احزاب می‌توانند یکی از بهترین ابزارهای مدنی و مردمی برای امر به معروف و نهی از منکر باشند اگر احزاب و گروه‌های سیاسی در باز تعریف ماموریت‌ها و رسالت‌های خود، مسئله دعوت به خیر امر به معروف و نهی از منکر را مورد توجه قرار دهند کارکرد احزاب در نظام اسلامی در مقایسه با سایر نظام‌های سیاسی، کاملاً متمایز خواهد شد و این امر باعث می‌شود تا انگیزه افراد برای شرکت در فعالیت‌های حزبی افزایش یابد. این رویکرد هم به فعالیت احزاب معنا و مفهوم جدیدی می‌بخشد و هم ضمانت اجرای انجام این فریضه را به نحوه چشمگیری بالا می‌برد. اگر از این زاویه به ماموریت احزاب بنگریم شاید بتوان آیه ۱۰۴ آل عمران را که دستور می‌دهد (باید در میان شما گروهی باشند که دعوت به خیر نموده که امر به معروف و نهی از منکر کنند) دلیل بر مشروعیت تحزب در اسلام دانست. زیرا فعالیت احزاب مردمی، مسؤل و پاسخگو، پیامدهای بسیار مبارکی را برای جامعه به ارمغان خواهد آورد و فقدان آنها نتیجه‌ای جز روی آوردی دولت‌ها به استبداد و خود محوری نخواهد داشت که خود از بزرگترین منکرهاست. اصل بیست و ششم قانون اساسی در این باره بیان می‌دارد: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.» منظور احزاب دمکراتیک است که از پایین به بالا شکل می‌گیرد احزابی که در دامن دمکراسی پرورش می‌یابند و از درون توده‌های مردم و در رقابت با سایرین به صورت طبیعی و خودجوش شکل می‌گیرند نه احزابی که نوزاد قدرت هستند به دور ایدئولوژی رسمی و غیرقابل رقابتی که از سوی رهبران قدرتمند تشکیل می‌شود شبیه احزابی که در رژیم‌های توتالیتری تشکیل شده مدعی هستند با جامعه قرین هستند که چنین احزابی نه تنها دمکراسی و نقد قدرت را به ارمغان نمی‌آورند بلکه دیکتاتوری توتالیتری و توده‌ای را شکل می‌دهند.

احزاب در جهت رسیدن به قدرت و تلاش و تکاپو برای جلب و جذب بیشترین طرفدار و نقد قدرت حاکمه وارد مبارزه سیاسی می‌شوند و به همین دلیل است که در قانون اساسی نظام‌های

دمکراتیک و پارلمانی آزادی احزاب و عضویت در آنها حق اجتناب ناپذیر افراد شناخته شده است. بر این اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظارت بر مسئولان از طریق احزاب، فعالیت‌ها و مشارکت‌های سیاسی را به رسمیت شناخته و زمینه آن را فراهم ساخته است. این امر باعث خواهد شد که دولت در رفع معایب خود بکوشد.

پر واضح است که احزاب باید واجد ویژگی‌هایی باشند تا بتوانند در نظام سیاسی فعالیت کنند، پاره‌ای از این ویژگی‌ها عبارتند از: عدم برخورد مسلحانه با نظام سیاسی اسلام، بیان انتقاد و دوری از توطئه، عدم وابستگی به قدرت‌های بیگانه، برخورداری از پذیرش و حمایت مردم و سازگاری با انسجام و همبستگی ملی و اجتماعی.

امام خمینی (ره) ضمن پذیرش آزادی در شکل‌گیری احزاب و انجمن‌ها، آزادی احزاب را تا جایی می‌پذیرند که منافع و مصلحت عموم بخطر نیفتد و در چارچوب قوانین اسلام باشد. «هرکسی، هر جمعیتی، هر اجتماعی حق اولیه‌اش این است که خودش انتخاب بکند یک چیزی را که راجع به مقررات مملکت خودش است» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴، ۴۹۲) و «هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم را به خطر نیندازد آزادند و اسلام در تمامی شئون حد و مرز آن را تعیین کرده است» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴، ۲۶۶).

احزاب ماموریت‌هایی دارند که به حاکمیت دمکراسی کمک می‌کند و چارلز مریام استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو پنج کار ویژه برای احزاب برمی‌شمارد.

۱- گزینش نامزدهای انتخاباتی

۲- تدوین سیاست‌های عمومی

۳- انتقاد از حکومت

۴- آموزش سیاسی

۵- واسط مابین حکومت و فرد (بشیریه، ۱۳۹۱: ۱۶).

۳-۲-۱ مشارکت در انتخابات

مردم با مشارکت در هر انتخابات میزان گرایش به هر فرد یا حزب را نشان می‌دهند در صورتی که از اقدامات آن فرد یا جناحی که فرد متعلق به آن است رضایت نداشته باشند با عدم انتخاب وی یا کاندیدای مورد حمایت آنها، نظر خود را در مورد وی بیان می‌کنند. چه بسا در

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

برخی شهرها به خاطر رضایت از عملکرد فردی برای دوره‌های متمادی او به عنوان نماینده مجلس از سوی مردم معرفی می‌شود و یا فردی فقط در یک دوره می‌تواند نمایندگی مجلس را داشته باشد. لازم به ذکر است نویسنده این سطور به هیچوجه منکر اثرگذاری برخی روابط و تبلیغات و یا رفتارهای گروهی و قومیتی در انتخابات نیست.

در جوامع دموکراتیک مشارکت داوطلبانه یک هنجار تلقی می‌شود، به گونه‌ای که مردم تصمیم می‌گیرند که در انتخابات شرکت نمایند یا از طریق شرکت نکردن بر سیاست تاثیر بگذارند. یعنی در نظام‌های لیبرال دموکراسی آنچه در باب شهروندان و سیاست اهمیت دارد تاثیر گذاری شهروندان بر سیاست است. یعنی شهروندان می‌تواند با مشارکت و یا عدم مشارکت خود بر سیاست تاثیر بگذارد.

شرکت در انتخابات تنها یکی از ساز و کارهای مشارکت سیاسی تلقی می‌شود؛ در مراحل بعد خواست‌های خویش را در سیاست عمومی منعکس می‌سازند. ارزیابی میزان تاثیرگذاری و نقش مردم بسیار حائز اهمیت است.

یکی از دلایل افزایش دخالت مردم در سیاست، وجود حاکمیت عامه است به عنوان مبنای برای قدرت سیاسی مشروع است. بر اساس این اصل مردم حق حکومت دارند و کسانی که مبادرت به کار می‌کنند، در حقیقت اقتدار خویش را از مردم می‌گیرند. پذیرش عمومی اصل حاکمیت مردم در رژیم‌های دموکراتیک و حتی در نظام‌های دیکتاتوری، باعث حمایت از هنجار مشارکت سیاسی توده شده است. بنابراین اگر این اصل را بپذیریم که قدرت سیاسی از مردم ناشی می‌شود، علی‌الاصول مردم باید در امور سیاسی دخالت نموده و حاکمیت خود را اعمال کنند.

این در حالی است که مشارکت مردم در نظام‌های اقتدارگرا و توتالیتر نمادین است و نقش و تاثیری در سیاست‌های دولت ندارند.

۳-۲-۲ تجمع و گردهمایی‌ها

قرآن در مورد کارهای نیک و شایسته، مردم را به تعاون و همکاری و نسبت به کارهای ناشایسته امر به عدم همکاری و مبارزه منفی کرده است. این موضوع هم در روابط بین مردم با یکدیگر صادق است و هم در روابط میان مردم و دولت از آنجا که نهی از منکرات دولت و

مقامات دولتی همانند نهی از منکرات مردم عادی، واجب و بلکه واجب‌تر از موارد معمولی است. و از آنجایی که در بسیاری از موارد مقابله نکردن و موضع نگرفتن به منزله اثم و گناه تلقی می‌شود می‌توان لزوم تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها را مصداق تعاون بر کارهای نیک و عدم همکاری با اعمال حرام بشمار آورد.

اصل بیست و هفتم قانون اساسی در این باره بیان می‌دارد: تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که محل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.» از مفهوم این اصل چنین استنباط می‌گردد که قانون اساسی مردم را بر سرنوشت خود حاکم فرض نموده است. به همین دلیل حق اعتراض و راهپیمایی و تشکیل اجتماعات را برای مردم پیش‌بینی کرده است. قانون اساسی در این اصل بدنبال یک تشکیل و دوام یک نظام سیاسی دمکراتیک و غیر دیکتاتوری است. اصل مذکور؛ به منزله سوپاپ اطمینان حفظ و بقاء نظام سیاسی است که به واسطه آن عقده‌ها و ناخالصی‌های درونی جامعه از مجاری پیش‌بینی شده تخلیه و خارج می‌گردد تا انفجاری از جنس انقلاب و کودتا و اغتشاش و غیره رخ ندهد.

پر واضح است اگر جلوی خروجی سوپاپ اطمینان (خطر) گرفته شود و نارضایتی‌های مردمی به مسیرهای پیش‌بینی شده هدایت نشود و نظام سیاسی در سایه آگاهی از این نارضایتی‌ها در خود بازسازی ننماید انفجار ایجاد خواهد شد نقش اصل ۲۷ قانون اساسی در نظام سیاسی مثل زودپزی می‌ماند که اگر منافذ خروجی آن به این امید که تمام اجزاء حاوی آن حفظ گردد بسته شود موجب انفجار خواهد شد به همین منظور واضعان قانون اساسی این اصل را برای تخلیه ناخالصی‌ها پیش‌بینی کرده‌اند. تدوین‌کنندگان قانون اساسی بدرستی با علم به اینکه در هر جامعه‌ای اشتباهات و خطاها و لغزش‌های زمامداران اجتناب‌ناپذیر است و موجبات نارضایتی می‌گردد و بطور طبیعی افراد جامعه از آنها آزرده خاطر می‌شوند بایستی از این طریق در مقام اعتراض برآمده هم مردم معترض تخلیه شوند و هم مسئولین متوجه شوند که تحت نظارت مردم هستند نسبت به اعمال آنان بی‌تفاوت نیستند حتی ممکن است برخی اعتراضات ناصواب بوده و از سر لجاجت و عقده باشد اینجاست که بایستی سوپاپ اطمینان فعال شود و فرصت تخلیه عقده‌ها داده شود.

اصل ۲۷ قانون اساسی؛ تضمین‌کننده آزادی سیاسی و اجتماعی است به آزادی سیاسی و اجتماعی بودن موسوم است. بسیار روشن است که غرض از اصل یاد شده؛ اعتراض و اجتماعات موافق دولت و حاکمیت نیست چون در این صورت لازم می‌آید حاکمیت برای حمایت از خویش

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

با رفتارهای پوپولیستی چنین اجتماعات و راهپیمایی‌ها را برگزار کند در صورتی که منظور از اصل ۲۷ قانون اساسی اعتراضات و اجتماعاتی است که در مقام انتقاد یا اعتراض به عملکرد دولت و حاکمیت صورت می‌گیرد که اعمال این اصل نیازمند سعه صدر بیشتر حکومت می‌باشد. اکنون در جامعه ایران تفکری حاکم است که تلاش دارد مانع از اعمال اصل ۲۷ قانون اساسی گردد این تفکر با جهالت ورزی و تنگ نظری مانع از ثبات کشور می‌شوند و خطراتی که از درون، نظام سیاسی را تهدید می‌کند را نادیده می‌گیرند به روش‌های غیر دموکراتیک روی می‌آورند این تفکر، فهمیانه و روشن بینانه عمل نمی‌کند و کوتاه بین بوده و از تدبیر امور و دور اندیشی دورتر و دورتر می‌شوند، اینان معلومات و دانش کافی برای تحلیل مسائل سیاسی را در افق دور ندارند، بسته فکر می‌کنند، بر این باورند که جامعه را از نظر فکری یک دست نگه دارند بدیهی است که یک دست بودن، حجاب حق و مانع پویایی اندیشه است. این نگاه که در درون نظام سیاسی نباشد مخالفی وجود داشته باشد بر خلاف واقعیات اجتماعی امروز است. از مقتضیات عصر حاضر این است که موافق و مخالف در کنار هم با تسامح، تعامل کرده با احترام به عقاید و دیدگاه‌های متقابل زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند پر واضح است که نمایندگان مردم در مجلس خبرگان قانون اساسی اصل یاد شده را برای ترمیم و بقاء حکومت پیش‌بینی کرده‌اند تفکری که معتقد است آزادی راهپیمایی و تجمع برای تخریب و از بین بردن اسلام و نظام است به حقوق و آزادی‌های مردم ایمان ندارند در حقوق ایرانف اصل بر آزادی اجتماعات است افراد و احزاب در زمان عادی اختیار راهپیمایی و ... دارند منوط به دو شرط، اول مسلحانه نباشد منظور مقنن مبرهن و آشکار است شرط دوم محل به مبانی اسلام نباشند که مبانی اسلام تعریف نشده است. مبانی اسلام چیست آیا مبانی اسلام همان اصول عقاید در اسلام است یا پایه‌های ایمانی نظام که در اصل دوم قانون اساسی آمده است از این حیث مشخص نمی‌باشد و اینکه چه کسی این تشخیص را بر عهده دارد نیاز به تفسیر یا تدوین قانون دارد.

۳-۲-۳ آزادی بیان در چارچوب قوانین اسلامی

آزادی بیان حق مسلم هر فرد با هر گرایش مکتبی و ایدئولوژی، زبان، نژاد، قومیت و فرهنگ است اما «..... در هر مملکتی آزادی در حدود قانون است، در حدود قوانین آن مملکت است مردم آزاد نیستند که قانون را بشکنند. معنی آزادی این نیست که هر کس برخلاف قوانین،

حقوق سیاسی مردم در اعمال نظارت بر دولت ◇
برخلاف قوانین اساسی یک ملت، برخلاف قوانین ملت هر چه دلش می‌خواهد بگوید آزادی در حدود قوانین یک مملکت است مملکت ایران مملکت اسلامی است و قوانین ایران قوانین اسلام است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۱۸)

۳-۲-۴ گزینش سیاسی برابر یا حق دسترسی همه شهروندان به مناصب دولتی

«گزینش سیاسی فرایندی است که به وسیله آن افراد، مقامات رسمی را در نظام سیاسی به دست می‌آورند یا در نقش صاحب منصبان رسمی، اساساً در مقامات سیاسی و اداری ظاهر می‌شوند، اما در بعضی موارد در نقش منصب‌داران دیگر مانند اعضای قوه قضائیه، پلیس و ارتش خدمت می‌کنند» (راش ۱۳۷۷: ۱۲۹).

امام خمینی (ره) در مورد گزینش سیاسی برابر می‌فرماید: «باید کسانی که می‌خواهند یک کاری بکنند باید فکر این باشند که شایسته این کار هستند یا نه؟ مسائل مهم است، مسئله دولت، مسئله ریاست جمهور، مسئله ریاست مجلس، مسئله قوه قضائیه، وزرات همه اینها اهمیت دارد. اگر چنانچه انسان دنبال این باشد که حالایی که من رئیس دولت هستم بروم دنبال رفقای که همراه من هستند کارآمد باشند یا نباشند به این کار نداشته باشد بداند که این کار، کار شیطانی است رئیس جمهور هم اگر دنبال این باشد که وزرایی تعیین بکند که آن وزرا فرمانبردار خودش باشند نه فرمانبردار اسلام آن هم بداند که این کار کار شیطان است کار انسان متعهد نیست».

۳-۲-۴-۱ پایگاه‌های دینی

پایگاه‌های دینی از تربیون‌های دیگری است که می‌توان در راستای نظارت مردم بر حکومت استفاده کرد. در این میان نباید از نقش بسیار مهم تربیون‌های نماز جمعه، مساجد، منبرها و هیات‌های مذهبی و امروزه فضای مجازی غافل بود. نهادهای مدنی نظیر روحانیت، هیات‌های مذهبی، فعالان مسجدها و حسینیه‌ها که از متن مردم برخاسته‌اند به خوبی می‌توانند در برابر تخلفات دولتی و دستگاه‌های دولتی عکس‌العمل نشان داده و از باب امر به معروف و نهی از منکر انجام وظیفه کنند. تجربه نشان داده است که در بسیاری از موارد از جمله در پیروزی

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

انقلاب اسلامی ایران این پایگاه‌ها در بسیج مردمی موفق‌تر عمل کرده‌اند. و لیکن نگاه یکسو گرایانه و به انحصار در آوردن مساجد و منابر توسط یک جریان فکری آسیبی است که ضرر آن هم متوجه پایگاه‌های دینی و هم نظام سیاسی کشور است پر واضح است که دین و مسجد و منبر و تربیون‌های نماز جمعه متعلق به یک قشر و جریان خاص ندارد تا در انحصار آنان قرار گیرد متعلق به همه افراد جامعه است و همه جریان‌های فکری حق دارند از آن‌ها به طور مساوی استفاده کرده و بهره‌مند شوند.

۳-۲-۴-۲ سینما و تئاتر و فیلم‌های خانگی

تاثیر فیلم و تئاتر در اذهان و افکار مردم انکارناپذیر است هنرمندان با دادن نمایش‌های بصری در سالن‌های نمایشی و تولید و تکثیر فیلم‌های خانوادگی می‌توانند نقش تاثیرگذاری در امر به معروف و نهی از منکر دولت ایفا کنند.

۳-۲-۴-۳ صدا و سیما

یکی دیگر از ابزارهای نظارتی بر دولت، صدا و سیما است بشرطی که آن هم همانند پایگاه‌های دینی در انحصار جریان فکری خاص نباشد صدا و سیما متعلق به همه افراد جامعه با همه گرایش‌های ایدئولوژیکی و فکری و سیاسی و اجتماعی است برنامه‌های آن بایستی همه جریان‌های فکری و سیاسی را نمایندگی کند.

نتیجه گیری

حقوق سیاسی، بخشی از حقوق بشر است که به حقوق انسان‌ها در حوزه سیاست می‌پردازد و اموری از قبیل حق تعیین سرنوشت و مقدرات سیاسی و حق آزادی‌های سیاسی را شامل می‌شود؛ حق تعیین سرنوشت و مقدرات سیاسی مهم‌ترین حقوق سیاسی است؛ مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی، یکی از مباحث مهم علوم سیاسی است. این مشارکت در درجه اول از طبع اجتماعی انسان ریشه می‌گیرد. مشارکت در امور اجتماعی، نوعی تعهد و قبول مسئولیت فردی و اجتماعی است که همه افراد انسانی ناگزیر به پذیرش آن هستند. این تعهد و مسئولیت ممکن است در قالب فعالیت‌های معین صورت گیرد، مانند بسیاری از رفتارهای اخلاقی و

اجتماعی، و یا ساختار حقوقی و اقتصادی به خود بگیرد. یکی از بارزترین نمونه‌های مشارکت مردمی، مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی است که کمک فراوانی به حفظ وحدت و همبستگی ملی و نظارت بر نحوه حکومت زمامداران می‌کند.

در جوامع مدرن، این مشارکت در قالب احزاب سیاسی و نهادهای اجتماعی هدایت می‌شود. نظام‌های سیاسی بر پایه اعتماد عمومی و اراده مردم استوار می‌گردند و استمرار و اقتدار آنها وابسته به مشارکت و دخالت مردم است و حساسیت نسبت به نوع جریان امور در کشور و میزان دل‌بستگی مردم به نظام حاکم بر جامعه و حمایت از آن، از مصادیق مشارکت سیاسی به مفهوم نظارت بر زمامداران می‌باشد. چرا که میزان مشارکت سیاسی مردم در امور سیاسی، نشانگر میزان مداخله و نظارت مردم بر عملکرد زمامداران می‌باشد؛ در واقع با کاهش مشارکت سیاسی مردم، موازنه منفی به مفهوم عدم رضایت‌مندی مردم نسبت به حکمرانان را می‌توان سنجد و بسیار مبرهن است که دولت‌ها برای مشروعیت بخشیدن به حاکمیت خویش، نیازمند مشارکت سیاسی مردم می‌باشند و کاهش میزان مشارکت به نوعی اعتراض به عملکرد دولت و پایین آمدن مقبولیت حکومت در نزد مردم به حساب می‌آید و این امر یک نوع نظارت مردم نسبت به دولت بوده و واکنش دولت‌ها را در جلب رضایت مردم بدنبال خواهد داشت و آن‌ها برای کسب مشروعیت نمی‌توانند مشارکت سیاسی مردم را نادیده بگیرند و میزان بالای مشارکت سیاسی مردم دست کم در قوام و دوام حکومت و موجه نشان دادن تصمیمات زمامداران موثر است.

بنابراین نتیجه می‌گیریم که حقوق سیاسی ابزارهای اعمال نظارت مردم بر دولت می‌باشند؛ که هر یک از آن‌ها نوعی نظارت مردم بر دولت است اگر مردم از هیات حاکمه منتخب خویش ناراضی شوند در انتخابات بعدی فرد دیگر را انتخاب می‌کنند یا در آن شرکت فعال پیدا نمی‌کنند و بدین طریق مراتب نارضایتی خود را اعلام داشته و ابزار نظارتی را نسبت به هیات حاکمه اعمال می‌کنند.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- تیلا، پروانه (۱۳۸۴)، بسط امر به معروف و نهی از منکر برای مشارکت همگانی، سال هشتم، مطالعات بسیج، ش ۲۶.
- شعبانی، قاسم (۱۳۸۴)، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ بیست و یکم.
- خمینی، روح الله، (۱۳۷۹)، صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸)، عدالت توافقی در اسلام در کتاب درآمدی به نظم سیاسی عدالت در اسلام به کوشش علی اکبرعلی خانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۹)، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- فوزی، یحیی (۱۳۹۲)، مفهوم شناسی عدالت در اندیشه سیاسی امام خمینی، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- فوزی، یحیی (۱۳۸۸)، اندیشه سیاسی امام خمینی، قم: معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی، دفتر نشر معارف.
- فوزی، یحیی، مرادی، روح الله (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی در اسلام و غرب، فصلنامه علمی پژوهشی امام خمینی و انقلاب اسلامی متین، پاییز، سال دوازدهم، شماره چهل و نهم.
- قابل، هادی (۱۳۸۶)، مردم سالاری دینی، جلد دوم، تهران، انتشارات عروج.
- قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۸۴)، جایگاه شورا در حکومت اسلامی، تهران، انتشارات عروج.
- کدیور، محسن (۱۳۷۷)، حقوق سیاسی مردم در اسلام، فصلنامه گفتمان، سال اول، شماره دوم.
- کیخا، نجمه (۱۳۸۳)، مفهوم و سازوکارهای تحقق عدالت اجتماعی، مجله علوم سیاسی، شماره ۲۶.